

گیرنده شناخته نشد

کاترین کرسمن تیلور

مترجم

بهمن دارالشفایی



نشر ماه

تهران

۱۳۹۳

Kathrine Kressmann Taylor
Address Unknown
Simon and Schuster, New York, 1939

مورخه:	تیلور، کاترین کرسمن، ۱۹۳۹-۱۹۹۶ م.
عنوان و پدید آور:	Taylor, Kathrine Kressmann
مشخصات نشر:	گیرنده شناخته شد؛ کاترین کرسمن تیلور؛ مترجم: بهمن دارالشفايي.
مشخصات ظاهري:	تهران: نشر ماهي، ۱۳۹۳.
شابک:	۶۲ ص.
یادداشت:	ISBN 978-964-7948-52-4
یادداشت:	فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات ویبا.
یادداشت:	عنوان اصلی: <i>Address Unknown</i>
یادداشت:	کتاب حاضر در سال‌های مختلف به دست مترجمان و ناشران مختلف
موضوع:	ترجمه و منتشر شده است.
موضوع:	داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۰ م.
موضوع:	یهودیان - ایالات متحده - سافراکسیسکو - داستان.
موضوع:	آلمان - سیاست و حکومت - ۱۹۳۳-۱۹۴۵ م. - داستان.
شناسه‌ی افزوده:	درانشفایی، بهمن، ۱۳۵۹.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۳ ی ۸۶ ی ۸۶ / PS۳۵۰۹۱
رده‌بندی دیویی:	۸۱۳/۵۴
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:	۳۵۹۷۴۷۹

گیرنده شناخته نشد

کاترین کرسمن بنور
همس دارالتقایی

نویسنده
مترجم

زمان ۱۳۹۳
نسخه ۲۰۰۰

چاپ اول
بیر

حسین سجادی
سیده
امین گرافیک
صنوبر
سیدار

مدیر هنری
حرف نگار
لینوگرافی
چاپ جلد
چاپ متن و صحافی

شابک ۹۷۸-۹۶۲-۷۹۴۸-۵۲-۴

همه ی حقوق برای ناشر محفوظ است



نشر ماهی

تهران، خیابان انقلاب، روبه روی سینما سیده، شماره ی ۱۶۶، واحد ۴

تلفن و دویزنگار: ۶۶۹۵۱۸۸۰

www.nashremahi.com

کاترین کرسمن تیلور در سال ۱۹۰۳ در شهر پورتلند در شمال غربی آمریکا به دنیا آمد. استاد دانشگاه در رشته‌ی روزنامه‌نگاری و نویسندگی بود و در طول عمرش سه کتاب بیش‌تر نوشت.

گیرنده شناخته شد اولین و مشهورترین کتاب اوست که به بیش از بیست زبان ترجمه شده است. این داستان کوتاه شرح نامه‌نگاری دو دوست صمیمی آلمانی است که سال‌ها با هم در سافرانسیسکو زندگی کرده‌اند و حالا یکی‌شان به آلمان بازگشته است، آن‌هم درست زمانی که حزب نازی و آدولف هیتلر به قدرت رسیده‌اند. کتاب ماجرای دگرگون‌شدن پیوند دوستی این دو بر اثر اتفاقاتی است که در آلمان تحت زعامت هیتلر می‌افتد.

تیلور این داستان را در سال ۱۹۳۸ نوشت، زمانی که هنوز جنگ جهانی دوم شروع نشده بود و بسیاری از مردم و سیاستمداران در دنیای غرب هیتلر را خطری جدی نمی‌دانستند یا دست‌کم متوجه ابعاد خطری که دنیا را تهدید می‌کرد نبودند. آن روزها جنبش انزواطلبی سیاسی در آمریکا بسیار قدرتمند بود و این طرز فکر که «آنچه در اروپا می‌گذرد ربطی به ما

ندارد» طرفداران زیادی در این کشور داشت. در مورد آلمان هم نظرها عموماً خنثی و حتی در مواردی مثبت بود. تیلور این داستان را نوشت تا جامعه‌ی امریکا را از خطری آگاه کند که هزاران کیلومتر آن‌سوتر به صورتی برق‌آسا رشد می‌کرد.

پسرکاترین تیلور در یادداشتی درباره‌ی کتاب می‌نویسد جرقه‌ی داستان از خبری چندخطی در روزنامه‌ای زده شد: دانشجویان امریکایی که در آلمان درس می‌خوانند، در نامه‌هایشان از جنایات نازی‌ها می‌گویند. آن‌ها در جواب دوستان ساکن امریکایشان، که هیتلر را در نامه‌های خود مسخره می‌کنند، به آن‌ها می‌نویسند: «بس کنید. این‌ها با کسی شوخی ندارند. همین نامه‌های شما می‌تواند سر آدمی راه باد دهد.» گیرنده شناخته‌نشده ابتدا در مجله‌ی استوری چاپ شد. سردبیر مجله داستان را قوی‌تر از آن دانست که نوشته‌ی یک زن باشد و برای همین اسم کوچک نویسنده را حذف کرد و نام کرسمن تیلور را پای آن گذاشت، نامی که خانم تیلور تا آخر عمر به‌عنوان نام هنری‌اش برگزید.

استقبال از این داستان چنان بود که مجله‌ی ریدرز دیلیجست، که آن زمان سه میلیون نسخه تیراژ داشت و به‌ندرت پیش می‌آمد اثری داستانی چاپ کند، تصمیم به انتشار آن گرفت. کمی بعد، در سال ۱۹۳۹، انتشارات سایمون اند شوستر گیرنده شناخته‌نشده را در قالب کتاب چاپ کرد. در فاصله‌ی کوتاهی پنجاه هزار نسخه از آن به فروش رفت و به‌سرعت به زبان‌های هلندی و آلمانی ترجمه شد، گرچه شروع جنگ جهانی دوم مانع انتشار این ترجمه‌ها شد.

در سال ۱۹۹۵ و در حالی که کاترین تیلور ۹۲ ساله بود، به مناسبت پنجاهمین سالگرد برجیده شدن اردوگاه‌های مرگ، گیرنده شناخته نشد مجدداً انتشار یافت و این بار حتی با استقبال بیش‌تری مواجه شد. به بیست زبان ترجمه شد و فقط ترجمه‌ی فرانسوی آن ششصد هزار نسخه فروخت. کشف دوباره‌ی گیرنده شناخته نشد باعث شد کاترین تیلور آخرین سال عمرش را در شهرت و در حال امضا کردن کتاب و مصاحبه‌های مختلف بگذراند. او در سال ۱۹۹۶ و در سن ۹۳ سالگی از دنیا رفت.

اما نکته‌ای در باب ترجمه‌های فارسی کتاب. این داستان را نخستین بار مرحوم ابراهیم یونسی در سال ۱۳۴۰ به فارسی ترجمه کرد و در شماره‌ی ۶ مجله‌ی کتاب هفته (مورخ ۲۱ آبان ۱۳۴۰) چاپ شد. البته این ترجمه هیچ‌گاه به صورت کتاب مستقل منتشر نشد. بعدها دست‌کم سه مترجم دیگر این داستان را ترجمه و در قالب کتاب منتشر کردند: حسن مرتضوی در سال ۱۳۷۹ با نشر بهنام، تینوش نظم‌جو در سال ۱۳۸۱ با نشر ماه‌ریز، و شهلا حائری در سال ۱۳۸۳ با نشر قطره.

اصلی‌ترین دلیل این‌که تصمیم گرفتم با وجود ترجمه‌های متعدد این داستان دوباره به سراغش بروم این بود که سال‌هاست هیچ‌کدام از این ترجمه‌ها در بازار موجود نیستند. ضمن این‌که ترجمه‌ی خانم شهلا حائری که آخرین و پرتیراژترین آن‌هاست، از زبان فرانسه ترجمه شده، در حالی که کتاب اصلی به زبان انگلیسی است. به همین دلیل به نظرم رسید ترجمه‌ی دوباره‌ی این داستان می‌تواند برای بخشی از مخاطبان ادبیات

داستانی جذاب باشد، در هر حال خود را وامدار همه‌ی این مترجمان، به‌ویژه خانم حائری، می‌دانم، چون آشنایی من با این داستان به واسطه‌ی ترجمه‌ی ایشان بوده است.

در پایان لازم می‌دانم از رضا رضایی تشکر کنم که ترجمه‌ی اولیه را کلمه به کلمه با متن اصلی مقابله کرد و تغییراتی اساسی در آن داد. از مهدی نوری هم ممنونم که کتاب را با دقت ویرایش کرد و باعث شد نشر آن روان‌تر شود. همین‌طور از دست‌اندرکاران نشر ماهی متشکرم که کتاب را آن‌گونه که شایسته بود منتشر کردند.

بهمن دارالشفایی

تابستان ۱۳۹۳